دریچه

زیره افغانستان در بازار کرمان

بی‌اعتباری ضرب‌المثل پارسی توسط افغان‌ها

■ **مهر:** خشکسالی شدید و عواملی انسانی موجب کاهش چشمگیر برداشت طلای سیاه در عرصه‌های طبیعی کرمان شده و این روزها بازار زیره کرمان مملو از محصول زیره رنگ‌شده افاغنه شده است. به گزارش مهر، حالا دیگر افاغنه، چینی‌ها را در تصرف بازار ایران همراهی می‌کنند؛ در حالی که این روزها کالاهای بی‌کیفیت چینی گوی و میدان را از بسیاری تولیدات داخلی ربوده‌اند، بخش عمده‌ای از بازار زیره کرمان هم زیر سایه بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها به دست افاغنه افتاد. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، زیره‌هایی از دل خاک کرمان بیرون می‌آمد که عطر و ظرافت و رنگ و مرغوبیت‌شان همتا نداشت. در کنار کیفیت عالی این محصول، وفور آن و برداشت‌های چندین هزار تنی از مناطق رویش این گیاه ضرب‌المثلی را ورد زبان‌ها انداخت که عملا نشان می‌داد زیره به کرمان آوردن غیرممکن است.

زیره کرمان در بازار کمیاب شده است/ زیره بازار، خارجی است

اما از بازار پررونق زیره کرمان حالا دیگر چیزی باقی نمانده است. در سال‌های گذشته، در کنار بی‌اعتنایی محض مسوولان به این محصول، هر از چند گاهی از سوی کارشناسان هشدارهایی داده می‌شد که خشکسالی تیشه به ریشه زیره کرمان زده و اگر برایش چاره‌ای اندیشیده نشود، از بین می‌رود؛ آن پیش‌بینی‌ها امروز به حقیقت پیوست. زیره کرمان که در کوهستان‌های خبر، جوپار و بردسیر بیشترین برداشت را داشت، هم‌اکنون به دلیل خشکسالی با کمبود شدید مواجه شده است. از آنجا که زیره کرمان به صورت «خودرو» و در بیابان‌ها و کوهستان‌های اطراف کرمان می‌رویید، با ادامه خشکسالی‌ها این محصول از بین رفت و افاغنه هم که درصد زیادی از جمعیت کرمان را تشکیل داده‌اند، از این فرصت بهره گرفته و زیره‌ای را که دست کاشت خودشان است، وارد بازار کرده‌اند. در این‌باره خبرنگار مهر با یکی از فعالان تجارت زیره کرمان که زمان رونق بازار زیره، این محصول را از عشایر می‌خریده و می‌فروخته به گفت‌وگو نشست. محسن پیرمرادی می‌گوید: سال‌های سال است که تخم زیره برچیده شده و میزان محصول زیره به شدت کاهش یافته است. وی با بیان اینکه مناطق رویش این گیاه خبر و کوشک بافت، جبالبارز و کوه‌های ساردو جیرفت و کوه‌های بم بوده است، ادامه می‌دهد: با وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی این محصول الان خیلی کم شده و در سال زیره برداشت‌شده بسیار کم شده است.

بوته‌های زیره خوراک دام‌های عشایر

وی می‌گوید: در مناطقی که زیره می‌رویید، در حال حاضر حدود ۱۰ تا ۱۵کیلو محصول برداشت می‌شود که این مقدار کم وارد بازار نشده و بیشتر توسط افراد محلی مصرف می‌شود یا میزان کمی از آن به فروش می‌رسد. پیرمرادی یکی از دلایل دیگر کاهش محصول زیره کرمان را چرای بی‌رویه دام‌ها توسط عشایر و ساکنان محلی مناطق رویش این محصول عنوان کرده و اظهار می‌دارد: گوسفندان در بسیاری از مناطق، بوته این گیاه را به طور کامل خورده و بذر آن برچیده شده است.

وقتی زیره هم رنگ می‌شود/ برای افاغنه هم مقرون به صرفه نیست

او می‌افزاید: در حال حاضر عمده زیره موجود در بازار محصول افغانستان بوده که دست‌کاشت است.

او تصریح می‌کند: زیره‌ای که افغانی‌ها می‌کارند، چون کیفیت و رنگ و عطر محصول کرمان را ندارد، آن را می‌جوشانند و رنگ می‌کنند تا به صورت طبیعی جلوه دهد. این تاجر کرمانی ادامه می‌دهد: البته افغانستان هم گرفتار خشکسالی است به همین دلیل تولید آنها هم کاهش یافته است. او می‌گوید: اما چون تقاضا در بازار زیاد است، قیمت آن از هفت تا هشت هزار تومان در حال حاضر به ۱۵هزار تومان رسیده است. پیرمرادی بیان داشت: البته افاغنه هم الان خیلی تمایل ندارند محصول خود را وارد بازار ایران کنند، چراکه می‌گویند ارزش پول ایران کم شده و برای ما مقرون به صرفه نیست.

زیره تلخ افغانستان جایگزین محصول بی‌همتای کرمان

وی در ادامه از کیفیت زیره کرمان سخن به میان آورده و بیان می‌دارد: محصول کرمان به دلیل هوای مناطق رویش این گیاه و آبیاری آن به وسیله آب باران، عطر و لطافت خاص خود را داشت و به همین دلیل معروف بود. پیرمرادی می‌افزاید: اما زیره افغانستان چون دست‌کاشت بوده و با کود و آب کشاورزی آبیاری می‌شود، نه‌تنها عطر و لطافت زیره کرمان را ندارد بلکه در بسیاری از موارد طعم تلخی هم دارد. او همچنین تصریح می‌کند: بخش زیادی از این محصول هم به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. پیرمرادی می‌افزاید: تا قبل از این بسیاری از کسبه کرمان حتی نمی‌دانستند این زیره در افغانستان کشت می‌شود چون افغان‌ها زیره خود را به مشهد برده و از آنجا تجار مشهدی آن را به کرمان می‌آوردند اما بعد از آن، به طور مستقیم از افاغنه خریداری می‌شود.

چرا زیره در کرمان کشت نمی‌شود؟

پیرمرادی همچنین با بیان اینکه زیره هیچ متولی‌ای در کرمان ندارد، می‌گوید: با بروز خشکسالی‌ها و کاهش این محصول، همان کاری که افغانی‌ها انجام دادند، می‌شد در کرمان هم انجام داد. او می‌افزاید: تاکنون هیچ کار علمی و کارشناسی درباره این محصول صورت نگرفته و از سوی هیچ نهاد و مرکزی حمایت نمی‌شود. پیرمرادی تصریح می‌کند: اگر امکانات فراهم می‌شد، بسیاری از کشاورزان در مناطق رویش این گیاه هکتارها زمین دارند.

یک کارشناس کشاورزی نیز در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: کرمان سرزمین گیاهان دارویی است و در بسیاری از دشت‌ها و بیابان‌های استان، شاهد رویش انواع گیاهان دارویی هستیم که در واقع گنجینه‌ای عظیم دارویی کشور محسوب می‌شوند.

پرونده کشدار «کوچک‌شدن مشهد» بعد از سه‌سال هنوز باز است؛

مرزهای «مشهد» زیر تیغ اصلاح

شرق: مشهد از آن شهرهایی است که برای تغییر در چهره‌اش، هزار و ۴۰۰سال فرصت داشته است. این شهر که استخوان‌خردکرده اتفاقات کوچک و بزرگ تاریخ است؛ هنوز هم آنقدر احساس جوانی و پویایی می‌کند که بر توقف قد کشیدنش رضایت نمی‌دهد. سال ۵۴جمعیت مشهد ۲۴۱هزار نفر بود. این رقم را باید امروز ضرب در ۱۰ کنید تا شمار ساکنان این شهر دستتان بیاید و از طرف دیگر، تصور رقم ۳۰میلیون نفر هم برای جمعیت آن در ۵۰سال آینده کار مشکلی نباشد. این وسط عدد ۲۵میلیون که گواه جمعیت زایرانی است که به این شهر برای زیارت سفر می‌کنند، هم آنقدر کوچک نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. تصور اینکه ۱۰سال دیگر این عدد دوبرابر می‌شود، باعث شده تا مسوولان نگرانی‌های جدی داشته باشند که یکی از آنها امکاناتی است که در بستر زیرساخت‌های سرزمینی این شهر شکل می‌گیرند. توضیح ساده‌تر اینکه برای ایجاد امکانات کافی، متناسب با افزایش جمعیت؛ «فضای کافی» وجود داشته باشد. اما از سه سال پیش پرونده‌ای در حوزه مسایل کلانشهر مشهد باز شد که حکایت از کوچک شدن حریم شهر مشهد داشت. این عبارت «کوچک شدن» پارادوکسی را تداعی می‌کرد که کارشناسان به پرسیدن این سوال مجاب می‌شدند: «شهری که مدام در حال بزرگ شدن است چرا و چگونه یکباره کوچک می‌شود؟»

پژمان پاکدل، مشهد: اما برای یافتن پاسخ سوالی که پیشتر مطرح شد، باید روی تقویم تا زمان ایجاد شهرستانی با عنوان «طرقبه‌شاندیز»، بیخ گوش مشهد به عقب برگردیم. شهرستانی که شامل روستاهای کوچک و دور از هم بود و در حقیقت این اشتیاق مشهدی‌ها و زایران شیشلیک‌خور به فضاهای ییلاقی بود که به آن رونق داد. این شهرستان که نهایتا با رایزنی‌های مختلف در تابستان ۸۷ شکل گرفت، کمی بعد پا پیش گذاشته و ادعای میراث کرد. اوضاع زمانی پیچیده شد که طراحان شهرستان‌شدن طرقبه و شاندیز، بحث تطبیق مرزهای آن با مرزهای بخش طرقبه مشهد را پیش کشیدند. این‌طور بود که برای بخشی از محلات و مناطق مشهد نظیر سه‌راه آب و برق، بخش‌های وسیعی از قاسم‌آباد و... مدعی جوانی پیدا شد. همه این ادعاها در حالی بود که کارگروه مسکن و شهرسازی استان، خرداد ماه ۸۵ محدوده و حریم شهر مشهد را مشخص کرده بود و این حدود در ۲۰فروردین سال ۸۶ توسط شورای‌عالی معماری و شهرسازی به تصویب رسید. با این وجود، هنگام ارتقای بخش‌های طرقبه و شاندیز مشهد، به شهرستان، تصمیم دو سال پیش شورای‌عالی معماری کشور که در حکم قانون است، نادیده گرفته شد. در حقیقت، حریم مصوب شهر مشهد که در قسمت غرب به طور عمده توسعه شهر را براساس طرح جامع فعلی دربرمی‌گرفت و دهنو، ویرانی و سمت چپ جاده مشهد- شاندیز را نیز شامل می‌شد، حدود ۵۵هزار و ۴۲۲هکتار وسعت داشت، اما پس از اصلاح و ابلاغ حریم جدید توسط استاندار وقت در تاریخ سوم بهمن ۸۷ که طی آن ۷۵متر از خط میانی جاده مشهد- شاندیز مرز مشهد و شهرستان طرقبه‌شاندیز شناخته شد، وسعت حریم به ۵۴هزار و ۵۱۳هکتار کاهش یافت و به این ترتیب ۹۰۹هکتار از حریم شهر مشهد کم شد. اما این پایان ماجرا نبود؛ پس از آن بار دیگر مسوولان شهری طرقبه‌شاندیز، با تاکید براینکه مرزهای بخش طرقبه باید به شهرستان جدید منطبق شود، مدعی یک‌هزار و ۹۵۹هکتار دیگر از حریم شهر شدند و این ادعا درحالی مطرح شد که با این کوچک‌سازی، در بخش‌های مهمی از غرب شهر، مرزهای حریم و محدوده بریکدیگر منطبق شد تا نفس توسعه کلانشهر مشهد از غرب بند آید. حالا نکته اینجاست که براساس ماده هشت قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا، شهرک و نحوه تعیین آنها، «محدوده و حریم‌های تعیین‌شده برای شهرهای مجاور و محدوده روستاهای مجاور و محدوده شهرک‌های مجاور نباید با هم تداخل داشته باشند»

آغاز یک‌سال پرجنجال برای پرونده مشهد

اما از ابتدای سال ۸۸ تاکنون موضوع حریم مشهد بارها از زبان مسوولان مطرح شده است و تصمیمات مختلف، از سوی مراجع متفاوت آن را بارها بزرگ و کوچک کرده است. اما اوج این ماجرا به روزهای گرم تابستان ۸۸ بازمی‌گردد. هشتم‌شهریور ۸۸ بود که رییس وقت شورای اسلامی شهر مشهد از تلاش عده‌ای برای ارایه مالکیت بخش‌های مهمی از اراضی محدوده مشهد به شهرستان‌های اطراف بدون توجه به مصوبات شورای‌عالی شهرسازی و معماری خبر داد. این اعتراض چند ساعت بعد به اظهارنظر معاون شهرسازی و معماری شهردار مشهد منتج شد که گفت: طبق مصوبه شورای‌عالی معماری و شهرسازی، حریم شهرها باید سه تا پنج برابر محدوده آن باشد، حال آنکه حریم فعلی مشهد، کمتر از دو برابر آن است. همین حرف و حدیث‌ها کافی بود تا شورای اسلامی شهر مشهد اول بسم‌ا... جلسه روز بعدش، شهرداری را ملزم کند که موضوع جداسازی بخش‌های غربی این شهر را از طریق ستاد راهبردی مشهد دنبال کند. نمایندگان شورا به این اکتفا نکردند و حق پیگیری مشکل از طریق دیوان عدالت اداری را برای شورای اسلامی و شهرداری مشهد محفوظ دانستند و از مسوولان ارشد استان برای سکوت در قبال حریم مشهد گلایه کردند.

مشکلات تهران با بلعیدن فرمانیه و شمیرانات حل نشده است

یک روز بعد از جلسه شورای شهر و مصوبات آن، حسن موحدیان فرماندار و در حقیقت سکان‌دار هدایت شهرستان مشهد بدون توجه به کوچک‌سازی‌های صورت‌گرفته، گفت: بحث کوچک‌سازی مشهد، مطرح نیست و قانونگذار هم اجازه چنین تصمیمی را نداده است. همان تاریخ، فرماندار وقت طرقبه شاندیز با انتقاد از شورای اسلامی شهر مشهد در مورد طرح دو فوریتی شورای اسلامی شهر مشهد درخصوص جلوگیری از کوچک‌سازی حریم مشهد، الحاق بخشی از زمین‌های حریم مشهد به شهرستان جدیدالتاسیس طرقبه شاندیز را رد کرد و تصویب آن را ناشی از دسترسی‌نداشتن به اطلاعات صحیح عنوان کرد. وی با بیان این جمله که «باید توجه داشت که مشکلات تهران با بلعیدن فرمانیه و شمیرانات حل نشده است»، تلویحا مصوبه شورای اسلامی مشهد را نیز مشابه چنین تعبیری دانست. البته همه این اعتراضات باعث شد تا همان روز، استاندار در نامه‌ای توقف کوچک‌سازی مشهد را وعده دهد.

مشهد به حاشیه می‌رود

تقویم ورق می‌خورد و نوبت به سال ۸۹ می‌رسد، اما در این سال هم بحث داغ قدوقواره مشهد، از رونق نمی‌افتد. روزهای پایانی بهار با درج گزارش‌هایی در بعضی روزنامه‌ها درخصوص وضعیت ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه در حریم مشهد و اراضی مورد اختلاف رییس شورای اسلامی شهر مشهد در اظهارنظری جدید اعلام می‌کند: طبق قوانین سابق که حتی مجلسین رژیم گذشته در سال ۱۳۳۵ هم بر آن صحه گذاشتند، حریم مشهد از گرداگرد حرم امام‌رضا(ع) تا شعاع ۱۰۰کیلومتری ادامه دارد و این حریم برای شهر قم ۵۰کیلومتر است و این قانون همچنان در مجلس شورای اسلامی هم مورد تایید قرار گرفته است. البته با این صحبت آقای نماینده، بخش قابل توجهی از مشهد به «حاشیه» رفته و جمعیت بالایی هم عنوان «حاشیه‌نشین» گرفتند. اما یک روز بعد از این صحبت‌ها، متن نامه ابلاغی معاون اول رییس‌جمهور در مورد سرنوشت شش هزار هکتار از اراضی حریم مشهد منتشر می‌شود. این نامه حکایت از این دارد که بخش‌هایی از این شهر جدا شده و میان شهرستان‌های جدیدالتاسیس تخس شده است یا به عبارت رسمی‌تر، برای اولین‌بار سند رسمی کوچک‌سازی مشهد منتشر شد. این وسط، صدای همه از نمایندگان شورای شهر تا کرسی‌نشینان مجلس در اعتراض به این اتفاق درمی‌آید. در میان بازار داغ اظهارنظرها، یکی پیشنهاد برگزاری جلسه‌ای فوق‌العاده را می‌دهد و دیگری هم همگان را به آرامش دعوت می‌کند. چراکه حق تکه و پاره کردن مشهد را در اختیار دفتر تقسیمات کشوری استانداری می‌داند. اما همه این اتفاقات در روزه سکوت استاندار به عنوان عالی‌ترین مقام دولتی استان اتفاق می‌افتد.

> **برای اصلاح مصوبه دولت درباره حریم مشهد حتی یک روز هم دیر است. تعیین تکلیف طرح‌های جامع و تفصیلی مشهد منوط به تعیین حریم مشهد است و عدم تعیین تکلیف حریم مشهد، باعث شده تا ما شهر را باتوجه به ضوابط قدیمی اداره کنیم که این اصلا به نفع مشهد نیست**

از استانداری تا وزارت کشور

«برای اصلاح مصوبه دولت درباره حریم مشهد، حتی یک روز هم دیر است.» این اظهارنظر شهردار مشهد بعد از ۱۰روز از انتشار نامه معاون اول رییس‌جمهور است. سیدمحمد پژمان همچنین برای اولین‌بار مطالب جدیدی را رسانه‌ای می‌کند. اینکه دولت اصراری بر اجرای این مصوبه ندارد و دیگر اینکه در استانداری خراسان‌رضوی کمیسیونی تشکیل شد تا موضوع حریم را به‌طور جدی مورد بررسی قراردهد و پیشنهادی ارایه شود تا در آن مصلحت همه لحاظ شده باشد. البته بعدها نشست مشترک برگزار شد، اما به دلیل اینکه هرکدام از طرفین بر رای و نظر خود باقی ماندند، نتیجه مطلوبی حاصل نشد. تقویم ۱۴ تیر ۸۹ را نشان می‌داد که بالاخره قفل زبان استاندار شکست و محمود صلاحی قول داد که پیگیر ماجرای حریم مشهد باشد! شش‌ماه از این قول آقای استاندار می‌گذرد، اما چون وعده‌ها و وعیدها طولانی می‌شود، دوباره صدای آقای شهردار درمی‌آید و با اظهار تاسف از کشدار شدن تعیین تکلیف حریم مشهد، اعلام می‌کند: هیچ ابهامی در مورد کارهای کارشناسی صورت گرفته وجود ندارد و مقامات مسوول هم می‌دانند که حریم مشهد نباید تغییر کند. دو روز بعد هم استاندار خراسان‌رضوی اظهاراتی را بیان می‌کند که بر گفته‌های شهردار مشهد صحه می‌گذارد. او برای اولین‌بار از پیگیری موضوع حریم مشهد توسط کارشناسان وزارت کشور خبر داد. این وعده سرآغاز اظهارنظرهای بعدی استاندار بود که بررسی کارشناسی حریم مشهد را یک‌بار در ید استانداری و بار دیگر در توان وزارت کشور اعلام می‌کند. البته برای بسیاری هنوز هم نامعلوم است که بالاخره این پرونده قرار است، زیر دست کارشناسان استانداری باشد یا دودچراغ‌خورده‌ها در وزارت کشور. اما با وجود همه این صحبت‌ها ساخت‌وسازهای بی‌قاعده در حریم مشهد و صدور مجوزهای خلق‌الساعه ادامه داشت تا نهایتا جواد آرین‌منش یکی از نمایندگان مشهد در مجلس شورای اسلامی با نگارش نامه‌ای به وزیر کشور تاکید می‌کند که رسیدگی‌نکردن به معضل حریم مشهد، باعث سوءاستفاده زمین‌خواران و ساخت‌وسازهای بی‌رویه در حریم این شهر شده است.

توجه نکنند دادخواست می‌دهیم!

مرداد ۹۰هم به وعده و وعیدهای مسوولان استانداری و عدم عمل به قول‌هایشان سپری می‌شود. این قول‌ها چنان کهنه شده‌اند که برای رجوع به آنها پای موضوعات دیگری مثل طرح تفصیلی وسط کشیده می‌شود. «تعیین تکلیف طرح‌های جامع و تفصیلی مشهد منوط به تعیین حریم مشهد است و عدم تعیین تکلیف حریم مشهد، باعث شده تا ما شهر را با توجه به ضوابط قدیمی اداره کنیم که این اصلا به نفع مشهد نیست.» این آخرین اظهارنظر شیرمحمدی رییس پارلمان شهری مشهد است. به بیان این آقای مسوول در جایی که طرح‌های جامع و تفصیلی ۱۴شهرستان استان تعیین تکلیف شده‌اند، جای خالی تصویب این طرح‌ها برای مشهد به خوبی لمس می‌شود. اما حتی این گفته‌ها هم گره از تعلیق این پرونده باز نمی‌کند، پس اعضای شورا در یکی از جلسات جنجالی خود اظهار می‌دارند که باید با پای پیاده به سمت بارگاه ثامن‌الحجج(ع) حرکت کرده و گلایه خود را به امام‌رضا(ع) اعلام کنیم. همه این خط و نشان کشیدن‌ها منجر می‌شود که ۱۳روز بعد، استاندار با توجه به اوج‌گیری بی‌قانونی‌ها و ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حریم مشهد، بالاخره دستور توقف ساخت‌وسازها در حریم را صادر کند. اما آخرین اتفاق در پرونده «کوچک‌سازی مشهد» به روز پایانی شهریور ۹۰ بازمی‌گردد که در آن جواد داوودآبادی، رییس کمیسیون فنی و عمران شورای شهر از نامه‌نگاری اعضای این شورا با وزارت کشور و مقامات عالیه خبر داده و البته از آنجایی که اغلب تیرهای مسوولان شهری برای سروسامان دادن به این پرونده به سنگ خورده، این مقام مسوول خبر از اقدام دیگری هم می‌دهد: به موازات اقدامات صورت گرفته، طرحی دوفوریتی نیز در شورا تهیه شده که در آن، شهرداری مشهد با هماهنگی شورای شهر نسبت به تهیه دادخواست و ارایه آن به دیوان عدالت اداری، اقدام خواهد کرد. در این دادخواست سعی شده مصوبه هیات‌دولت با ارایه مستندات قانونی ابطال شود.

کرمانشاه سرزمین چشمه‌های مقدس

حسین زندی

از آنجا که آب همواره مظهر پاکی بوده است، ایرانیان نیز این عنصر را مقدس و گرامی داشته‌اند. بنابر شواهد و باورهای بر جا مانده می‌توان گفت اهمیت آب در بین ایرانیان بیشتر از دیگر ملت‌های جهان بوده است. در میان عناصر چهارگانه، آب پس از آتش گرامی‌ترین عنصر در اساطیر ایرانی آورده شده است و ایزد ناهید، آناهیتا را به نگهبانی آن برگزیده‌اند. ده‌ها جشن، مراسم و آیین مانند جشن آبریزان، مراسم باران‌خواهی، پاشیدن آب پشت سر مسافر و... از روزگاران کهن بر جا مانده و هنوز متداول است. این نگرش در مذاهب و باورهای ساکنان ایران نیز تاثیر گذاشته است. در خرده اوستا، نیایش چهارم موسوم است به آب و آن را در کنار چشمه‌ها و جویبارها می‌خوانند. هردوت می‌نویسد: «ایرانیان در میان رود بول نمی‌کنند، در آب روان تف نمی‌اندازند و در آن دست نمی‌شویند و متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافاتی آلوده کند» از همین‌رو است که هنوز در این کشور در دامنه‌های زاگرس به ویژه استان کرمانشاه چشمه‌های مقدسی وجود دارد که مردم در کنار آن مراسم می‌گیرند و حاجات خود را از آن چشمه طلب می‌کنند. یکی از آن چشمه‌ها «چشمه ریزه یا کانی ریزه» است. نام این چشمه از دو واژه کانی به معنی چشمه و ریزه به معنای ریزش و ریختن است. کانی ریزه در شهرستان جوانرود [استان کرمانشاه] و مسیر جوانرود به ثلاث باباجانی در ارتفاعات کوه ساره ون یا ساره وان (کوه ریزه) قرار دارد. فاصله چشمه ریزه تا شهرستان جوانرود حدود ۴۰کیلومتر است که از میان روستاهای زیبا در دامنه کوه‌های پوشیده از جنگل بلوط و جاده‌های پیچ‌درپیچ می‌گذرند. نزدیک‌ترین روستاها به این چشمه روستاهای کانی رش و آوارزه از توابع دهستان زمکان است. تقریبا تا فاصله چهار کیلومتری چشمه آسفالت شده و مسافت باقیمانده خاکی است. مردم بومی منطقه معتقدند هرکس بیماری داشته باشد، از جمله سنگ کلیه اگر یک بطری بزرگ از آب چشمه بخورد و پای پیاده به سمت پایین (اولین روستا) برگردد، سنگ کلیه‌اش دفع شده و بیماری‌اش درمان می‌گردد، همچنین باور دارند با خوردن آب این چشمه به مراد خود می‌رسند. همه ساله کوهنوردان از سراسر ایران برای صعود به کوه ساره وان به این نقطه می‌آیند. - اما در طول مسیر در کنار طبیعت زیبای منطقه تصاویر آزاردهنده‌ای به چشم می‌خورد که نشان از خودخواهی انسان دارد. افزون بر زباله‌ها، بطری‌ها و کیسه‌هایی که در کنار جاده‌ها ریخته شده است، تماشای بقایای آتش‌سوزی جنگل‌ها و تخریب‌های معادن تازه‌تاسیس شن و ماسه دیدن تابلو نقاشی نفیسی را تداعی می‌کند که با آتش سیگار سوزانده باشند یا با شی برنده‌ای آن را خط خطی کرده باشند.

-در سال‌های اخیر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری محدوده چشمه ریزه را به عنوان سایت گردشگری در اختیار گرفته و مانند اغلب جاذبه‌های گردشگری یک کیوسک نگهبانی، سرویس بهداشتی و چند سکو برای استراحت گردشگران احداث کرده است. تنها جاذبه‌ای که پس از ورود به این مرکز گردشگری به چشم می‌خورد زباله است و جای زخم بیل مکانیکی و یک دستشویی کثیف که دل هر بیننده‌ای را می‌آزارد.

- بنابر گفته نگهبانی مرکز، روزانه به طور متوسط بین ۳۰۰ تا ۴۰۰اتومبیل وارد محوطه کانی ریزه می‌شود هزینه ورودی هر اتومبیل هزار تومان است یعنی پیمانکاری که این محوطه را از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اجاره کرده در ماه حدود ۱۰میلیون تومان درآمد دارد اما آیا سازمان نمی‌تواند در قرارداد خود از پیمانکار درخواست کند حداقل خدمات لازم، یعنی جمع‌آوری زباله‌ها و نظافت سرویس بهداشتی را در نظر بگیرد و بر این امر مهم نظارت کند متاسفانه در هیچ یک از مراکز گردشگری امکانات و خدمات ارایه شده با هزینه دریافتی از گردشگر همخوانی ندارد به ویژه اماکنی که اداره آن به عهده پیمانکار و بخش خصوصی است و مهم‌ترین مساله که حقوق گردشگر است، نادیده گرفته می‌شود و به نظر می‌رسد احترام به گردشگر در کشور ما پدیده بی‌معنایی است.

گزارش خبری

ورزش کلانشهر مشهد روز به روز ضعیف‌تر می‌شود

■ **ایسنا:** ورزش کلانشهر مشهد در میان غفلت برخی مسوولان این کلانشهر روز به روز ضعیف‌تر می‌شود. ورزش در مشهد حال و روز وخیمی دارد و این بی‌توجهی‌ها شرایط را به حدی رسانده است که در چند ماه اخیر تیم‌های ورزشی مشهد که چند سال است دچار بحران شده‌اند، یکی پس از دیگری در حال حذف شدن از عرصه ورزش یا انتقال به شهرهای دیگر هستند؛ تیم‌هایی از جمله والیبال، تنیس، کبدی، فوتبال و به تازگی کشتی که مشهد روزگاری مهد این رشته پهلوانی بود، به سرنوشت مبهمی دچار شده‌اند.

در مقابل این اتفاقات، برخی مسوولان ورزشی یا غیرورزشی شهر مشهد و استان خراسان‌رضوی یا سکوت کرده، مسوولیت را از خود سلب می‌کنند یا جوابی کلی می‌دهند؛ جایی که رییس هیات فوتبال استان خراسان‌رضوی در مقابل انتقال تیم فوتبال پیام مشهد به شهر نیشابور، خود را مسوول فوتبال استان می‌داند و حفظ تیم‌های فوتبال شهر سه میلیونی مشهد را بر عهده رییس هیات فوتبال مشهد می‌داند. مسوولان ورزشی مشهد در چند سال اخیر و در حذف و سقوط‌های پیاپی تیم‌های این شهر از جمله سقوط تیم بسکتبال استان از لیگ‌برتر به مسابقات زیرگروه لیگ کشور، حذف تیم والیبال استان از لیگ‌برتر به دلیل نبود حامی مالی، سقوط تیم فوتبال پیام از لیگ‌برتر به لیگ دسته دوم، سقوط تیم ابومسلم به لیگ دسته اول، سقوط تیم فوتبال گاز سرخس از لیگ دسته دو به زیرگروه، انصراف تیم تنیس استان از لیگ‌برتر به دلیل مشکلات مالی، انصراف تیم دسته اولی فوتسال فرش‌آرا، انصراف تیم‌های کبدی استان از لیگ‌برتر این رشته به دلیل مشکلات مالی، انتقال تیم کشتی استان به شهر سبزوار و... نشان دادند که انگار توانایی مدیریت و هدایت این تیم‌ها را ندارند.اما این شهر بزرگ صاحبان دیگری هم دارد که داعیه دلسوزی برای جوانان و مردم شهر را دارند؛ کسانی که با رای همین جوانان بر کرسی‌های شورای شهر نشسته‌اند تا برای این مردم و شهرشان تصمیم بگیرند، نه اینکه در مقابل خواست جوانان پرشور شهر که از شور و نشاط ورزش در شهرشان محروم شده‌اند، بگویند «ورزش فوتبال فاسد است و ما برای ورزش فاسد خرج نمی‌کنیم.»

شهردار مشهد که برای همه چیز این شهر دل می‌سوزاند، آیا می‌داند که جوانان مشهدی با چه حسرتی تنها از پشت شیشه‌های تلویزیون نظاره‌گر شور و نشاط مردم سایر نقاط کشور هستند؟ در این وضعیت ظاهرا از مسوولانی که مسوولیت‌شان در حیطه ورزش استان خراسان‌رضوی و شهر مشهد است، امیدی نیست و باید دست به دامان دیگرانی بود که در شرح وظایف‌شان نیست که به فکر روح شهر و مردمش باشند، اما مطمئنیم توان این را دارند که با حمایت از ورزش مانند همتایان‌شان در سراسر کشور، آرزوهای کوچک جوانان شهرشان را به واقعیت تبدیل کنند. آقای شهردار، آقای فرماندار، اعضای شورای شهر! شما در برابر شهروندان این شهر مسوول هستید. بدانید که وقتی در باشگاه کشتی راه‌آهن را روی هواداران کشتی می‌بندند و تیم جوانان این شهر را به سبزوار می‌برند، عده زیادی که انرژی خود را با فریادهای «مشهدی باغیرت» خطاب به همشهریان کشتی‌گیرشان در این سالن خالی می‌کردند، این انرژی را ذخیره می‌کنند و مشخص نیست کجا رها خواهد شد. بدانید که وقتی تیم پیام امام‌رضا(ع) را به نیشابور می‌برند و ورزشگاه پیر تختی مشهد خالی از جوانان پرشور می‌شود، فریادهایی که باید در ورزشگاه زده می‌شد، در کجا زده می‌شود. پس نترسید از شکست و پا به میدان بگذارید به درددل بچه‌های این شهر برسید. بدانید که روح و روان شهروندان مهم‌تر از آسفالت زیر لاستیک خودرو آنهاست. ما هم می‌دانیم که رسیدگی به امور ورزش وظیفه اصلی شما نیست، ما هم می‌دانیم ورزش هزینه دارد، ما هم می‌دانیم حاشیه دارد و باید از آبروی خود بگذارید، ما هم می‌دانیم ممکن است با چند شکست اتفاقات بدی رخ بدهد و آنها که باید کار می‌کردند یا کار نکرده‌اند یا کم کار کرده‌اند و این توقع نابجاست که شما کمک کنید، اما شما هم بدانید اگر سرمایه‌های مردم را در ورزش برایشان خرج نکنید، باید با هزینه بیشتر در تامین امنیت جانی و روانی آنها در زندان‌ها و بیمارستان‌ها هزینه کنید؛ پس این شعار تکراری و کلیشه‌ای که «پیشگیری بهتر از درمان است» را جدی بگیرید و نشان دهید برای روح و روان مردم شهرتان نیز ارزش قایل هستید. «هادی عامل»، کارشناس کشتی در این مورد به ایسنا، منطقه خراسان، گفت: از کم‌همتی مسوولان مشهد یا همت بالای سبزوار است که تیم کشتی مشهد به سبزوار منتقل شده است. او تصریح کرد: جذب اسپانسر یک هنر است، چراکه در کشتی برخلاف برخی رشته‌ها، اسپانسر کم است. احتمالا روابط عمومی سبزواری‌ها قوی‌تر بوده که توانسته‌اند با جذب اسپانسر این تیم را به سبزوار ببرند. این هنر را مشهد نداشت که تیم را نگه دارد، اما سبزوار داشت. عامل با اشاره به وضعیت این تیم قبل از انتقال به سبزوار، گفت: این تیم که قبل از انتقال به سبزوار تحت اسپانسر موسسه مالی- اعتباری امید بود، کلی بدهی داشت و صاحبان آن هم در بازداشت هستند. وی ادامه داد: وضعیت تیم به گونه‌ای بود که هیچ یک از مطالبات بازیکنان را پرداخت نکردند و بخشی از این مطالبات را «داوری»، مدیرکل ورزش و جوانان خراسان‌رضوی و بخشی دیگر را «فخار»، رییس هیات کشتی بر عهده گرفتند که البته مقداری هم مانده است.